

یوزپلنگ و گورخر به چه درد می‌خورند؟

محمد کرام‌الدینی



وازریرگونه‌ایرانی آن فقط ۲۲۰ رأس در منطقه‌خارتوران شاهرود و جمعیت کوچکی در منطقه حفاظت‌شده بهرام‌گور در استان فارس باقی مانده است. یکی از همکاران محیط‌زیستی ما در یکی از شبکه‌های اجتماعی در این باره چنین اظهار نظر کرده است (بامختصری ویرایش):

«... من سال‌هاست در این زمینه فعالیت می‌کنم. در این مدت، بارها شاهد تلف شدن خواسته یا ناخواسته جانوران حیات‌وحش از سوی کارشناسان و دیگر متولیان بودهام و البته، شاهد پیشرفت‌های محسوسی هم‌طی سال‌های گذشته هستیم.

واقعیت غیرقابل‌کتمان، بی‌ارزش بودن جان حیات‌وحش برای برخی متولیان است که جای تأسف بسیار دارد. برخی مدیران در استان‌ها خود را در مسائل مربوط به حیات‌وحش که بخش اعظمی از وظایف‌شان را تشکیل می‌دهد درگیر نمی‌کنند؛ یعنی وظیفه خود را بیشتر فعالیت در زمینه آلودگی‌ها و آلاینده‌های دانند... شاید پرداختن به موضوع حیات‌وحش برای آن‌ها نه جذاب و نه درآمدزا باشد. آن‌ها هزینه کردن برای نجات جان حیات‌وحش را به اصطلاح عامیانه آفتابه خرج لحیم می‌دانند و این بسیار غم‌انگیز است.

اکنون که این سرمقاله را برای شماره بهار ۱۳۹۸ می‌نویسم، بیستم‌مهرماه ۱۳۹۷ است. بی‌گمان تا حدود ۶ ماه بعد که این شماره از نشریه در برابر دیدگان شما قرار می‌گیرد، بسیاری از خبرهای امروزی کهنه و حتی فراموش شده‌اند؛ اما به نظرم برخی خبرها به علت اهمیتی که دارند، فراموش ناشدنی‌اند. پس با این فرض، به خبری فراموش ناشدنی می‌پردازم که این روزها در میان دوست‌داران حیات‌وحش همچنان داغ است.

خلاصه‌خبر هولناک چنین است: قرار بود هفته گذشته ۱۰ رأس گورخر آسیایی با هدف معرفی مجدد این گونه به زیستگاه قبلی، از سایت توران واقع در شاهرود به پارک ملی کویر در گرمسار منتقل شوند؛ اما متأسفانه یک رأس گورخر در ابتدای عملیات، دو رأس دیگر در حین انتقال به پارک ملی کویر و دو رأس دیگر پس از عملیات زنده‌گیری تلف شدند؛ یعنی از مجموع ۱۰ رأس گورخر، ۵ رأس تلف شدند.

خبرنگاران در ادامه این خبر توضیح داده‌اند که گورخر آسیایی تنها بازمانده علف‌خواران تک‌شُم و از گونه‌های شاخص استان سمنان است. گورخر آسیایی در گذشته جمعیت فراوانی در خاورمیانه، آسیای میانه و چین داشت؛ اما اکنون نسل آن در اغلب مناطق منقرض شده



از مجموع ۱۰ رأس

گورخر، ۵ رأس

تلف شدند



...هر گز یاد نمی‌رود اولین روزهایی که استخدام شدم، حین گشت در تالاب با یکی از همکاران، با عقابی که بر اثر برخورد با خطوط انتقال برق مصدوم شده بود، روبه‌رو شدیم. آن را فوراً به اداره [محیط زیست] انتقال دادیم و خوشحال بودیم که توانسته بودیم در اولین روز خدمت، کار مثبتی انجام دهیم؛ اما چند روز بعد، در کمال تعجب، جنازه این عقاب را در سطل زباله اداره دیدیم. بعد از اعتراض و پیگیری به ما گفتند این عقاب سهم روباه‌ها بوده است. بعدها فهمیدم آن عقاب صحرایی پرندمای در خطر انقراض بود...»

می‌دانیم که خبرهای ائتلاف حیات وحش کشورمان، برخلاف خود جانوران چندان کمیاب نیستند با جستجویی اندک و کوتاه‌درمی‌یابیم که این داستان سر دراز دارد. برخورد جانوران با خودروها در جاده‌های کشور، شیوع بیماری‌های واگیر در جانوران وحشی، تلف شدن آن‌ها بر اثر کمبود غذا و خشکسالی، یا روی آوردن به رژیم زباله‌خوری و ملنند این‌ها، اما در اینجا کاری با این نوع خبرها که واقعاً هم تأسیر انگیزنده، نداریم. اعداد و ارقامی که گاه و بی‌گاه درباره کاهش تنوع زیستی سرزمینمان به صورت رسمی یا غیررسمی منتشر می‌شوند، خود یکی داستان بزرگ است پُر آب چشم.

به نظر من بخشی از تقصیر کمبود دانش عمومی، از جمله دانش مسئولان و تصمیم‌گیران درباره حیات وحش و اهمیت حفاظت از آن، بر گردن برخی از ما معلمان زیست‌شناسی است. برخی از ما درباره اهمیت حیات وحش و تنوع زیستی با دانش‌آموزانمان گفت‌وگو نمی‌کنیم. برخی از ما آنان را و نمی‌داریم که در این زمینه تحقیق کنند. برخی از ما نمی‌کوشیم در ذهن‌های آنان حک کنیم که پاسداری از تنوع زیستی وظیفه شهروندی همه ماست. برخی از ما سعی نمی‌کنیم مفهوم شبکه حیات و نگرش سیستمی و کل‌نگر را بدانان بفهمانیم. به آنان نمی‌گوییم انسان جزئی از یک سیستم است و نابودی هر یک از بخش‌های این سیستم ما را یک گام به نابودی نزدیک‌تر می‌کند. تلاش نمی‌کنیم

آنان را با حیات وحش پیرامونی بیشتر آشنا کنیم و لذا، دانش‌آموزان اهمیت تنوع زیستی را چندان که باید، در نمی‌یابند، حیات وحش را دوست نمی‌دارند و بدیهی است که نسبت به آن احساس مسئولیت نمی‌کنند. می‌توانیم پاسخ‌های این گروه از معلمان را حدس بزنیم، وقت نداریم. حجم مطالب درسی زیاد است و اجازه پرداختن به مطالب غیردرسی را هر چند هم مهم باشند، نمی‌دهد. کتاب‌های درسی به این موضوع آن چنان که باید و شاید پرداخته‌اند و لذا ما نمی‌توانیم خارج از مطالب کتاب‌های درسی تدریس کنیم...»

پاسخ ما هم روشن است: هر چند شوربختانه سرفصل‌هایی درباره حل مسائل عمده بوم‌شناختی، مانند زیست‌شناسی حفاظت یا فنون احیای بوم سازگان‌ها چندان که باید و شاید در برنامه درسی زیست‌شناسی کشور ما لحاظ نشده است، اما می‌دانیم بیشتر دانش‌آموزان ذاتاً پژوهش درباره تنوع زیستی و حیات وحش پیرامون خود را دوست دارند. اگر بخواهیم، به یقین می‌توانیم به آسانی آنان را به تنوع زیستی بیشتر علاقه‌مند کنیم؛ همان‌گونه که برخی از همکاران ما چنین می‌کنند که راهشان پُر رهرو باد!

همچنان که می‌دانید درهای این نشریه همواره به روی مطالب و موضوع‌های مربوط به تنوع زیستی باز بوده است. همواره کوشیده‌ایم در هر شماره عکس‌ها، گزارش‌ها و پژوهش‌های شما را درباره تنوع زیستی سرزمین پیرامون‌تان معرفی کنیم. اما اکنون فرصت بی‌ظنیری فراهم آمده است. به شکرانه پدیداری و گشایش گونه دیجیتال رشد آموزش زیست‌شناسی، این نشریه فضایی نامحدود به روی تصاویر، گزارش‌ها، مقالات و پژوهش‌های شما درباره حیات وحش ایران باز کرده است. پس حداقل گوشی تلفن همراه خود را بردارید، از گیاهان، جانوران یا آغازیان پیرامون عکس بگیرید و آن‌ها را همراه با تصاویر ثبت شده از سوی دانش‌آموزانتان، از طریق این وبگاه برای ما بفرستید. منتظریم.

می‌دانیم که خبرهای ائتلاف حیات وحش کشورمان، بر خلاف خود جانوران چندان کمیاب نیستند

بخشی از تقصیر کمبود دانش عمومی، از جمله دانش مسئولان و تصمیم‌گیران درباره حیات وحش و اهمیت حفاظت از آن، بر گردن برخی از ما معلمان زیست‌شناسی است

پی‌نوشت‌ها

1. <https://googl/rQ8EEH>
2. <http://googl/3r6EV6>
3. Mag.roshd.ir/zist

